بازخوانی مضامین بلند زیارت اربعین

زیارت اربعین که یکی از پنج علامت مؤمن شمرده می‌شود، تجدید میثاق با امام حسین(ع) و اهل بیت است. هدف این زیارت، نشان دادن دوستی و وفاداری به راه این بزرگواران و اعلام آمادگی برای جانفشانی در این راه، ابراز دشمنی و برائت از قاتلان و دشمنان آنان، بیان مواضع و همبستگی با خط اهل‌بیت، ابراز ایمان و تبعیت و تسلیم در برابر آن حضرت، شناخت چهره‌های حق و باطل و ترسیم سیمای امام حسین و ویژگیهای ایشان و فلسفهٔ نهضت عاشورا است.

مقاله حاضر مضامین و محورهای اصلی این زیارت را در چهارده بند ترسیم کرده که با ترسیم سیمای امام حسین(ع) آغاز می‌شود و با درخواست صلوات خدا و درودهای پروردگار به آن حضرت و خاندان پاکش پایان می‌یابد. با هم آن را که از پایگاه اطلاع‌رسانی حج انتخاب شده می خوانیم.

■ جواد محدثی

در حدیث معروف امام حسن عسکری(ع) «زیارت اربعین»، یکی از پنج علامت مؤمن شمرده شده است؛ چه بر سر تربت و مزار سیدالشهدا خوانده شود و چه از راه دور؛ بنابر آنچه به دست ما رسیده است. مهم، توجه به مفاهیم مطرح شده در این زیارت است. پیش از پرداختن به مضامین بلند این زیارت شریف، لازم است اشاره‌ای به سند آن کنیم.

متن زیارت اربعین را حضرت صادق(ع) به صفوان بن مهران (معروف به صفوان جمّال) آموخته و فرموده است که این زیارتنامه را هنگامی که آفتاب روز اربعین برآمد و روز بلند شد، بخواند. این توصیه، اهمیّت این زیارت مأثور را می‌رساند.

حدیث را سید بن‌طاووس با سند خویش از صفوان روایت می‌کند. متن زیارت، در «اقبال الاعمال» سید بن طاووس، «المزار الکبیر» محمد بن جعفر مشهدی، «المصباح» کفعمی و «مصباح المتهجد» شیخ طوسی آمده است. علامه مجلسی هم در جلد ۹۸بحارالانوار، به نقل از تهذیب شیخ طوسی آن را نقل کرده است. گرچه در بعضی کلمات، تفاوتهای جزئی میان نقل‌ها دیده می‌شود، ولی کلیت آن ثابت و یکسان و معتبر می‌باشد.

بنابراین شایسته است که در متن و محتوای «زیارت اربعین»، دقت و تدبّر شود، تا زائران و محبان سیدالشهدا از معارف ناب و مفاهیم بلند آن مستفیض شوند. محورهای عمده این زیارتنامه را می‌توان چنین برشمرد:

۱- ترسیم سیمای امام حسین(ع)

زیارت اربعین، همچون بسیاری از زیارتنامه‌های دیگر با «سلام» آغاز می‌شود که نشانه تولّای شیعی نسبت به اولیای دین است و مخاطب این سلام، با اوصاف و القابی یاد می‌شود که هر کدام، بُعدی از ابعاد شخصیت سیدالشهدا را نشان می‌دهد. از آن حضرت، با عناوینی همچون ولیّ خدا، حبیب خدا، خلیل خدا، برگزیده خدا، شهید مظلوم، گرفتار رنج‌ها و مصیبت‌ها و کشته اشک‌ها یاد می‌شود: «... السلام علی اسیر الکُرُبات و قتیل العَبَرات...». پس از بیان این اوصاف و مقامات، زائر در پیشگاه خدا شهادت می‌دهد که آن امام شهید، ولیّ خدا و فرزند ولیّ خدا و صفیّ پروردگار و فرزند صفیّ خداست، تا این گواهی، عمق ایمان و باور زائر را نشان دهد و این اعتقادات را در جان او بنشاند.

۲- ویژگیهای امام حسین(ع)

در فراز بعد، به برخی از اوصاف ویژه و کرامت‌ها و ارجمندیهای آن امام شهید اشاره شده است. از جمله اینکه: آن حضرت، به کرامت الهی در سایه شهادت، نائل آمده است؛ آن حضرت، از سعادت ویژه ای که عنایت الهی است برخوردار است؛ طینت و سرشت او و ولادتش، پاک و پاکیزه و دور از هر آلودگی است؛ او یکی از سروران و یکی از رهبران و یکی از مدافعان حق و دین است؛ او، میراث‌دار خط انبیا و حجّت الهی بر همه بندگان خداست.

۳- فلسفه قیام عاشورا

درباره نهضت عاشورا تحلیل‌های گوناگونی ارائه می‌شود و اهداف مختلفی برای آن قیام خونین بیان شده است. آنچه در این زیارتنامه مطرح است، «هدف هدایت و نجات و بیداری امّت» است. آن حضرت در دعوت مردم به راه خدا و سنّت پیامبر(ص) و احکام قرآن چنان عمل کرد که راه عذر و بهانه را بر همه بست و اتمام حجّت نمود: «فَاَعْذَرَ فِي الدُّعاءِ، وَمَنَحَ النُّصْحَ»، گاهی بیداری جامعه و شکستن جوّ خفقان و مبارزه با بدعت‌ها و انحراف‌ها، «خون» می‌طلبد .امام، خون قلب خویش را در راه خدا نثار کرد: «وَبَذَلَ مُهْجَتَهُ فیک»، با این هدف که مردم را از جهالت و گمراهی درآورد و فضای حیرت و سرگشتگی را بشکند و تکلیف بندگان خدا را روشن کند: «لِیسْتَنْقِذَ عِبادَک مِنَ الْجَهالَةِ وَحَیرَةِ الضَّلالَة». درباره عبرتهای عاشورا و جهل و بی‌بصیرتی مردم بسیار سخن می‌توان گفت.

وضع جامعه بگونه‌ای شده بود که تنها خون مطهّر فرزند رسول خدا(ص) می‌توانست انقلابی ایجاد کند و زلزله‌ای در ارکانِ حکومت اموی که بر پایه جهل مردم استوار بود، بیفکند.

۴- شناخت چهره مخالفان

چه کسانی، با چه ویژگی‌هایی و با چه اهدافی به جنگ با امام حسین(ع) آمدند و دست به آن جنایت عظیم زدند؟ هدفشان چه بود که جز با کشتن ثارالله به آن نمی‌رسیدند؟ در فراز بعدی، ویژگی‌های گروه‌های ائتلافی بر ضدّ ولیّ خدا را ـ که در حقیقت بروز بغض و کینه‌های دیرینشان از صدر اسلام بود ـ ترسیم می‌کند:

ـ فریب‌خوردگان دنیا: «غَرَّتْهُ الدُّنْیا»؛ ـ فروختن آخرت به بهای ناچیز دنیا: «وَشَری آخِرَتَهُ»؛ـ هواپرستی: «وَتَرَدّی فی هَواهُ»؛

ـ به خشم آوردن خدا و پیامبر و امام؛

ـ پیروی از منافقان و تفرقه افکنان و گنهکاران.

۵- جهاد تا شهادت

جهاد در راه خدا، همراه با صبر بر ادای تکلیف و اخلاص در مبارزه و ادامه جهاد تا مرز شهادت و حتّی پس از شهادت، یعنی اسارتِ آزادیبخش آل‌الله، تضمین‌کننده حیات و بقای دین و خنثی‌کننده توطئه امویان ضداسلام بود»: «فَجاهَدَهُمْ فیک صابِراً مُحْتَسِباً، حَتّی سُفِک فی طاعَتِک دَمُهُ، وَاسْتُبیحَ حَریمُهُ». احیای دین و مبارزه با بدعت‌های ضداسلامی، قربانی و فدایی می‌خواهد. آنکه گام در این راه می‌نهد، هم باید اهل جهاد باشد، هم صبر و مقاومت، هم اخلاص، هم آمادگی برای فدا کردن خون و تحمّل هتک حرمت‌ها نسبت به خودش و خانواده اش. امام، عزیز خدا و رسول خدا(ص) بود، امّا در صحرایی سوزان به محاصره آن نامردان گرفتار شد. تشنگی خود و فرزندان و یارانش، عریان کردن پیکر پاکش، بریدن سرش، بر نیزه کردن سر مطهرش، آتش زدن خیمه‌ها، اسب تاختن بر جسد مطهّرش، غارت خیام، به اسیری گرفتن اهل بیت(ع) و... همه در راه خدا بود و آن حضرت، با گفتن «الهی رضیً بقضائک» خود را برای همه این مصائب آماده ساخته بود.

۶- لعن و تبرّی از دشمنان

در بسیاری از زیارتنامه‌ها، در کنار سلام به عنوان موالات و همسویی، «لعن» دشمنان هم دیده می‌شود که نشانه تبرّی از ظالمان و دشمنان اهل بیت(ع) است. هم لعن زائر بر قاتلان و کافران و هم درخواست لعن الهی بر آنان که نمونه‌اش در این زیارت وارد شده است: «اَللّهُمَّ فَالْعَنْهُمْ لَعْناً وَبیلاً». درخواست لعنت و عذاب خدا بر جنایتکاران عاشورا، روح معادات و تبرّی را می‌رساند و زائر را در خطّ دشمنی با دشمنان خدا و پیامبر(ص)، ثابت قدم‌تر می‌کند.

۷- پیوند امام با خطّ رسالت

وقتی در زیارت امام حسین(ع)، پیامبر و امیرمؤمنان و خاندان نبوت و عصمت(ع) را می‌خوانیم، تأکیدی بر ارتباط آن شهید با این خاندان رفیع و نورانی است. در زیارت دیگر نیز چنین است که بر امام حسین(ع) به عنوان فرزند پیامبر، فرزند فاطمه(س)، فرزند امیر مؤمنان(ع)، وارث انبیا، امین خدا، فرزند امین خدا، فرزند وصیّ خدا، فرزند وصیّ پیامبر سلام می‌دهیم تا این پیوند را آشکار و علنی سازیم و این نکته، خنثی‌کننده توطئه دشمنان است که می‌کوشند شهدای کربلا را جدا از دودمان نبوت و آل الله معرّفی کنند.

۸- حیات سعادتمندانه

از سخنان امام حسین(ع) است که فرمود: «موتٌ فی عزٍّ خیر من حیاة فی ذلّ»؛ مرگ عزتمندانه بهتر از زندگی ذلیلانه است.

در فراز دیگری از زیارت، از آن امام شهید به عنوان کسی یاد می‌شود که زندگی‌اش سعادتمندانه «عِشتَ سَعیدا» و مرگش ستوده و خدا پسند «مَضیْتَ حمیداً» و شهادتش مظلومانه «مظلوماً شهیداً» بود.

خداوند هم وعده نصرت و عزت و حیات ابدی به کشتگان راه خدا و مجاهدان راه حق، و هم وعده نابودی مستکبران و کیفر ظالمان را داده است؛ چه به سرعت و چه در زمانی طولانی؛ چه در دنیا و چه در آخرت. این است که زائر، بر حتمی بودن وعده‌های الهی در این موارد تأکید می‌کند: «وَاَشْهَدُ اَنَّ اللهَ مُنْجِزٌ ما وَعَدَک، وَمُهْلِک مَنْ خَذَلَک».

۹- بیزاری از همفکران اهل ظلم

در فرهنگ دینی، هم جنایتکاران و ظالمان، مطرود و ملعونند و هم کسانی که هرچند در ظاهر ساکت بوده‌اند و با جنایتکاران همکاری نداشته‌اند، ولی در دل و باطن به کار آنان راضی بوده‌اند، شریک جرمند. این حقیقت، در زیارت‌های متعددی (از جمله زیارت عاشورا) آمده است. در اینجا هم لعنت خدا بر کسانی است که امام را کشتند و به او ظلم کردند و بر جماعتی است که این واقعه را شنیدند، ولی به آن راضی و خشنود بودند. ساکتان در برابر فتنه و رضایت‌دهندگان قبلی به عمل دشمنان خدا و رسول(ص)، با آنان همسو و هم سرنوشت شمرده می‌شوند :«وَلَعَنَ اللهُ اُمَّة سَمِعَتْ بِذلِک فَرَضِیتْ بِهِ».

***زیارت اربعین، نوعی «تجدید میثاق» با امام حسین(ع) و اهل بیت و امامان معصوم(ع) است. ابراز وفاداری نسبت به آنان و راه و مرامشان، ابراز عداوت و برائت نسبت به قاتلان و دشمنان آنان، تولّی و تبرّی، اعلام آمادگی برای جانفشانی در راه مقدّس آنان، بیان مواضع و همبستگی با خطّ نورانی اهل‌بیت پیامبر، تبعیّت و تسلیم و نصرت، شناخت چهره‌های حق و باطل و رهبران «نور» و «نار» و مسئله جهاد و شهادت و خط ایثارگری در راه مکتب و عقیده، که دستاورد شناخت فلسفه عاشورا و قیام حسینی است.**

از این رو، شیعه زائر، موضع خود را شفاف و روشن بیان می‌کند و خود را در خطّ اولیای خدا و در مقابل دشمنان خدا و اهل بیت اعلام می‌دارد و خدا را هم بر این موالات و معادات، گواه می‌گیرد: «اَللّهُمَّ اِنّی اُشْهِدُک اَنّی وَلِیٌّ لِمَنْ والاهُ، وَعَدُوٌّ لِمَنْ عاداهُ».

و سرانجام این پیروی از خاندان عصمت و ولایت‌پذیری از آنان، آمادگی برای بذل جان خود و پدر و مادر و عزیزانش در راه آنان است: «بِاَبی اَنْتَ وَاُمّی یا بْنَ رَسُولِ‌الله».

۱۰- باز هم تأکید بر دودمان پاک

«اَشْهَدُ اَنَّک کُنْتَ نُوراً فِی‌الأَصْلابِ الشّامِخَة» این فراز، گواهی بر دودمان پاک پیامبر(ص)، طهارت و شرافت نسبت اهل بیت، دوری از آلودگی‌های اعتقادی و اخلاقیِ دوران جاهلیّت است. آیه تطهیر در قرآن (احزاب/۳۳) بر طهارت کامل و عصمت اهل بیت پیامبر(ص) گواهی می‌دهد. بحث از نیاکان پاک و موحّد ائمّه اطهار و تبارشناسی توحیدی این خاندان، نکته دیگری است که در این زیارت بر آن تأکید شده است.

۱۱- جایگاه والای امامت و ائمّه(ع)

نقشی که امامان شیعه، از جمله سیدالشهدا(ع) در جامعه اسلامی داشته اند، نقش هدایت، رعایت، اعانت و حفاظت از آئین و اهل ایمان بوده است.

این خاندان، هم تکیه‌گاه مسلمانان، هم ستونِ اسلام و هم پناهگاه شیعه بودند. امام در این فقره از زیارت، یکی از دعائم دین، ارکان مسلمین و معقِل مؤمنین به شمار آمده و با اوصافی چون: بَرّ، تقیّ، رضیّ، زکیّ، هادی و مهدی معرفی شده است، که همه امامان چنین بوده‌اند؛ افزون بر اینکه امام حسین(ع) پدر بقیه امامان بعدی است. این از ویژگی‌های آن حضرت در روایات بیان شده که ائمه، از نسل اویند. این ویژگی‌ها، بخصوص حجّت بودنشان «والحجّة علی اهل الدّنیا «جایگاه رفیع آنان را در منظومه فکری و عملی و اجتماعی و سیاسی امت پیامبر(ص) نشان می‌دهد و تبعیت از این نشانه‌های هدایت را ضامن درستی راه و رسیدن به مقصد می‌داند.

۱۲- ایمان، تسلیم، تبعیّت

این سه عنصر، عوامل اصلی هدایت و سعادت در خطّ ائمه(ع) است. ما شیعیان، به امامت آنان ایمان داریم «مؤمن بکم» و رجعت آنان در آخرالزّمان را باور کرده‌ایم «وَبِاِیابِکُمْ مُوقِنٌ» و با همه آئین‌ها و سنت‌های دینی آن را ابراز می‌کنیم و تسلیم محض و تبعیت کامل نسبت به آنان داریم؛ چه در مرحله قلبی، چه در مرحله عملی: «وَقَلْبی لِقَلْبِکُمْ سِلْمٌ، وَاَمْری لِأَمْرِکُمْ مُتَّبِعٌ». این ایمان و تسلیم و تبعیّت، عنصر دیگری می‌طلبد به نام «نصرت». همانگونه که یاران امام حسین(ع) در کربلا به او ایمان داشتند و تسلیم فرمان و تابع حرکت امام بودند و با همه توان از آن حضرت دفاع کردند تا به فیض شهادت رسیدند، زائر حسینی در اربعین هم، همین مراتب و مراحل را ابراز می‌دارد و همه توان و امکانات خویش را در راه ائمه قرار می‌دهد تا خداوند اذن دهد و دولت کریمه اهل بیت، با رهبری حضرت ولیّ‌عصر (عج) شکل گیرد: «وَنُصْرَتی لَکُمْ مُعَدَّةٌ، حَتّی یأْذَنَ اللهُ لَکُمْ». اینکه امروز یاری ما به این خاندان چگونه می‌تواند باشد، جای تأمل و سخن بسیار دارد. کدام عمل، در راستای مواضع ائمّه به شمار می‌آید؟ امکانات قابل عرضه ما برای «نصرت» چیست؟ زیرا فقط با شعار «گوش به فرمان توئیم» مشکلی حلّ نمی‌شود.

۱۳- اعلام مَواضع

در زیارت جامعه کبیره، زیارت عاشورا و زیارت‌های دیگر، از جمله در همین زیارت اربعین، این تعبیر دیده می‌شود:

«فَمَعَکُمْ مَعَکُمْ لامَعَ عَدُوِّکُمْ»؛ این یعنی داشتن موضع، اعلام موضع، پایداری بر سر موضع، همسو نشدن با دشمنان و حمایت از خطّ ائمّه(ع). این «معیّت» و همراهی با ائمّه چگونه است؟ اگر امامان در عصر ما حضور داشتند، در جناح‌بندی‌های سیاسی در کدام جهت بودند؟ در مسائل بین‌المللی چه موضعی داشتند؟ با استکبار جهانی و صهیونیسم بین‌الملل و گروه‌های تکفیری و حکومت‌های مزدور بیگانه و حاکمان وابسته به استکبار چه برخوردی داشتند و نسبت به مسائلی همچون فلسطین چه موضعی می‌گرفتند؟ شناخت ما از ائمّه، موضع آنان را به ما نشان می‌دهد.

خطّ ائمّه، امروز هم جلوه‌ها و نمادهایی دارد؛ همچنان که خطّ دشمنانشان نیز، در اشکال گوناگون ظهور و بروز دارد. این فراز زیارت، باز هم تأکیدی بر تولّی و تبرّی است.

۱۴- درود پایانی

پایان بخش زیارت، این فراز است: «صَلَواتُ‌الله عَلَیکُمْ وَعلی اَرْواحِکُمْ وَاَجْسادِکُمْ وَشاهِدِکُمْ و غائِبِکُمْ وَظاهِرِکُمْ وَباطِنِکُمْ، آمینَ رَبَّ‌الْعالَمینَ».

در این فراز، اوّلاً در احترام و بزرگداشت آنان، «صلوات خدا» را بر آنان خواستار شده‌ایم، که برتر از درودهای ما بندگان است. ثانیاً درودهای الهی را نسبت به همه آنان و همه جوانب حیاتشان خواستار شده‌ایم؛ چه بر روح و جانشان، چه بر پیکرهای مطهرشان، چه بر آنان که هستند یا نیستند، چه ظاهر و چه باطن، که شامل امامان معصوم شهید(ع) نیز می‌شود که آمده‌اند و رفته‌اند، هم بر امام عصر که هم «ظاهر» است (هرچند از دید ما غایب است) و هم «شاهد» است. (هرچند ما او را نمی‌بینیم).

***سه عنصر ایمان، تسلیم و تبعیّت ، عوامل اصلی هدایت و سعادت در خطّ ائمه(ع) است.این عوامل عنصر دیگری می‌طلبد به نام «نصرت». همانگونه که یاران امام حسین(ع) در کربلا به او ایمان داشتند و تسلیم فرمان و تابع حرکت امام بودند و با همه توان از آن حضرت دفاع کردند تا به فیض شهادت رسیدند، زائر حسینی در اربعین هم، همین مراتب و مراحل را ابراز می‌دارد و همه توان و امکانات خویش را در راه ائمه قرار می‌دهد تا خداوند اذن دهد و دولت کریمه اهل بیت، با رهبری حضرت ولیّ‌عصر (عج) شکل گیرد.**

نتیجه‌گیری زیارت اربعین، نوعی «تجدید میثاق» با امام حسین(ع) و اهل بیت و امامان معصوم(ع) است. ابراز وفاداری نسبت به آنان و راه و مرامشان، ابراز عداوت و برائت نسبت به قاتلان و دشمنان آنان، تولّی و تبرّی، اعلام آمادگی برای جانفشانی در راه مقدّس آنان، بیان مواضع و همبستگی با خطّ نورانی اهل بیت پیامبر، تبعیّت و تسلیم و نصرت، شناخت چهره‌های حق و باطل و رهبران «نور» و «نار» و مسئله جهاد و شهادت و خطّ ایثارگری در راه مکتب و عقیده، که دستاورد شناخت فلسفه عاشورا و قیام حسینی است. این سرفصل‌ها در زیارت اربعین بازگویی می‌شود و زائر حسینی این باورها را از دل بر زبان جاری می‌کند، تا زمینه رسوخ قلبی و نمود اجتماعی آن فراهم آید.

توفیق الهی نصیبمان باد تا در اربعین حسینی، آن امام شهید را با این زیارتنامه زیبا و پرمعنا که آموزه حضرت صادق(ع) به شیعه است، در کنار حرم باصفایش زیارت و عرض ادب کنیم؛ آمین.

خاطرات مرحوم کافی از پیاده‌روی اربعین

وقتی سخن از امام حسین (ع) به میان می‌آید دل‌های عشاق به صحن و سرای اباعبدالله پر می‌کشد و اکثر دلدادگان حسینی این روزها در تکاپوی حضور در پیاده‌روی عظیم اربعین هستند.

یکی از دلسوختگان اهل بیت(ع) که بارها با پای پیاده به عتبات عالیات رفته، مرحوم شیخ احمد کافی است. وی با وجود اینکه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی از دنیا رفته است اما خاطراتی را از ایامی که پیاده به زیارت سیدالشهدا (ع) می‌رفتند برای ما به یادگار گذاشته است که در ادامه می‌خوانید:

خداوند لطف کرده قریب ۳۰ سفر از نجف پیاده به کربلا آمده‌ام. سالی ۵ مرتبه می‌آمدیم، الان هم آقایان می‌آیند؛ علما، مراجع، طلبه‌ها، فضلا و مدرسین.

آقا سیدالشهدا(ع) سالی ۵ زیارت مخصوص دارند؛ اول رجب، نیمه رجب، نیمه شعبان، عرفه و اربعین. ده تا ده تا، بیست تا بیست تا با هم جمع می‌شدند و مقداری نان خشک کرده و کمی هم ماست و نعناع با هم مخلوط کرده به همراه یک کاسه و نمک با خودشان برمی‌دارند. قبا و عبایشان را هم تا کرده و داخل کوله‌پشتی قرار می‌دهند، نعلین‌هایشان را هم می گذارند درون کوله‌پشتی.

اندکی که از شب می‌گذرد، از مدرسه‌ها و خانه‌ها بیرون می‌آیند به حرم آقا امیرالمؤمنین(ع) می‌روند، سلامی به حضرت می‌دهند و می‌گویند علی(ع)! ما داریم می‌رویم کربلا، امری ندارید؟ داریم می‌رویم کنار قبر ابی عبدالله‌الحسین(ع).

این گروه به کوفه می‌رسند و گاهی اوقات برخی از افراد از مسیر خشکی می‌آیند که حدوداً ۱۳ فرسخ است اما اگر از راه کوفه بیایند ۱۷ فرسخ است و سه روز در راه هستند، البته بسیاری هم از کنار رود فرات می‌آمدیم. سه روز در راه بودیم و تقریباً روزی ۶ فرسخ پیاده می‌رفتیم. چه حال خوشی؛ افراد در مسیری که طی می‌کنند با هم بحث می‌کنند، حدیث می‌خوانند، مطالب دینی به هم می‌گویند، دور هم می‌نشینند، واقعاً انسی است، انس دینی و معنوی.

در راه وقتی در حال حرکت هستیم، عرب‌ها «مُضیف» (مهمان‌خانه) درست کرده‌اند، تشریفاتی نیست، چهار تکه حصیر را روی هم انداخته‌اند و یک تکه هم حصیر پهن کرده‌اند به عنوان مهمانخانه‌شان.

بیچاره‌ها در طول سال برنج می‌کارند، برنج‌هایشان را کنار می‌گذارند و به بچه‌های خود در آن هوای گرم نان و خرما می‌دهند. به جای هندوانه، آب فرات و به جای خورشت، خرما می‌دهند و اندکی که برنج دارند می‌گویند صبر کنید این زوار سیدالشهداء بیایند.

زائران اهل‌بیت(ع) که آمدند، ده ـ بیست نفر به پیشواز زائران آمده و ازآنها دعوت می‌کنند تا در این مضیف‌ها بیایند. برنج را ریخته و به آنها می‌دهند. برق نبود، چراغ فانوس روشن کرده، ظرف دوغ و آب در دست می‌گیرند و از زائران پذیرایی می‌کنند.

***مردم عراق برنج‌هایشان را کنار می‌گذارند و به بچه‌های خود در آن هوای گرم نان و خرما می‌دهند. به جای هندوانه، آب فرات و به جای خورشت، خرما می‌دهند و اندکی که برنج دارند می‌گویند صبر کنید این زوار سیدالشهداءبیایند.**

***ما سه روز در راه بودیم و تقریبا روزی ۶ فرسخ پیاده می‌رفتیم. چه حال خوشی؛ افراد در مسیری که طی می‌کنند با هم بحث می‌کنند، حدیث می‌خوانند، مطالب دینی به هم می‌گویند، دور هم می‌نشینند، واقعاً انسی است، انس دینی و معنوی.**

وقتی زائران غذا خوردند، هر چه که باقی ماند آنها را برمی‌دارند و به جمعیت اطرافشان می‌دهند و می‌گویند اینها را بخورید که از باقی‌مانده‌های غذای زوار سیدالشهداء(ع) است.

این چه حُسن نیتی است! این چه اخلاصی است! این چه عقیده‌ای است! چه ایمانی است! صفای درونی است، این چه دلی است خوشا به حال آنها.

یک زمانی، تابستان‌ها شب راه می‌روند و روز، زیر نخل‌ها می‌خوابند، چرا که هوا گرم است و نمی‌توان راه رفت. اول مغرب شد، نماز مغرب و عشاء را خواندیم، کمی نان و دوغ درست کردیم و خوردیم و به راه افتادیم، برای چه زمانی؟ برای زیارت اربعین، شلوغ‌ترین زیارتی‌ها. ۲هزار موکب و دسته‌های عزاداری از اطراف عراق می‌آیند.

خدایا وسیله‌ای درست کن که این مرقد مطهر و راه امام حسین(ع) برای مردم باز شود و مردم به زیارت ایشان نائل شوند.

از : فارس

اهمیت اربعین از دیدگاه رهبر معظم انقلاب

«چه آمدن خاندان پیغمبر در روز اربعین به کربلا- که بعضی روایت کرده‌اند- درست باشد یا درست نباشد، ظاهرا در این تردیدی نیست که جابربن عبدالله انصاری به همراه یکی از بزرگان تابعین- که نام او را بعضی عطیه گفته‌اند، بعضی عطاء گفته‌اند و احتمال دارد عطیه بن‌حارث کوفی حمدانی باشد؛ به هر حال یکی از بزرگان تابعین است که در کوفه ساکن بوده- این راه را طی کردند و در این روز بر سر مزار شهید کربلا حاضر شدند. شروع جاذبه مغناطیس حسینی، در روز اربعین است. جابربن عبدالله را از مدینه بلند می‌کند و به کربلا می‌کشد. این، همان مغناطیسی است که امروز هم با گذشت قرنهای متمادی، در دل من و شماست. کسانی که معرفت به اهل‌بیت دارند، عشق و شور به کربلا همیشه در دلشان زنده است. این از آن روز شروع شده است. عشق به تربت حسینی و به مرقد سرور شهیدان- سیدالشهداء-.

جابربن‌عبدالله جزو مجاهدین صدر اول است؛ از اصحاب بدر است؛ یعنی قبل از ولادت امام حسین، جابربن عبدالله، در خدمت پیغمبر بوده و در کنار او جهاد کرده است. کودکی، ولادت و نشو و نمای حسین بن علی(علیه‌السلام) را به چشم خود دیده است. جابربن‌عبدالله به طور حتم بارها دیده بود که پیغمبر اکرم- حسین‌بن علی را در آغوش می‌گرفت، چشم‌های او را می‌بوسید، صورت او را می‌بوسید، پیغمبر به دست خود در دهان حسین بن علی غذا می‌گذاشت و به او آب می‌داد؛ اینها را به احتمال زیاد جابربن‌عبدالله به چشم خود دیده بود. جابربن‌عبدالله به طور حتم از پیغمبر به گوش خودش شنیده باشد که حسن و حسین سرور جوانان اهل بهشت‌اند. بعدها هم بعد از پیغمبر، موقعیت امام حسین، شخصیت امام حسین- چه در زمان خلفاء، چه در زمان امیرالمؤمنین، چه در مدینه و چه در کوفه- اینها همه جلو چشم جابربن عبدالله انصاری است. حالا جابر شنیده است که حسین بن علی را به شهادت رسانده‌اند.

جگر گوشه پیغمبر را با لب تشنه شهید کرده‌اند. از مدینه راه افتاده است؛ از کوفه، عطیه با او همراه شده است. عطیه روایت می‌کند که:«جابر بن عبدالله به کنار شط فرات آمد، آنجا غسل کرد، جامه سفید و تمیز پوشید و بعد با گام‌های آهسته، با احترام به سمت قبر امام حسین(علیه‌السلام) روانه شد. آن روایتی که من دیدم این طور است، می‌گوید: وقتی به قبر رسید، سه مرتبه با صدای بلند گفت: «الله اکبر، الله اکبر، الله اکبر»؛ یعنی وقتی که می‌بیند که چطور آن جگر گوشه پیغمبر و زهرا را، دست غارتگر شهوات طغیانگران، این طور با مظلومیت به شهادت رسانده، تکبیر می‌گوید. بعد می‌گوید: از کثرت اندوه، جابربن‌عبدالله روی قبر امام حسین از حال رفت، غش کرد و افتاد. نمی‌دانیم چه گذشته است، اما در این روایت می‌گوید، وقتی به هوش آمد، شروع کرد با امام حسین صحبت کردن:«السلام علیکم یا آل‌الله، السلام علیکم یا صفوة الله».[1]

«رفتن جابربن عبدالله و عطیه به زیارت امام حسین در روز اربعین، سرآغاز حرکت پر برکتی بود که در طول قرن‌ها تا امروز، پیوسته و پی‌درپی این حرکت پرشکوه‌تر، پرجاذبه‌تر و پرشورتر شده است و نام و یاد عاشورا را روزبه‌روز در دنیا زنده‌تر کرده است.»[2]

۱- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در صحن جامع رضوی، ۱۳۸۵/۰۱/۰۱

۲- پیام نوروزی به مناسبت حلول سال ۱۳۸۵-۱۳۸۵/۰۱/۰۱

صفحه معارف روزهای: یک‌شنبه، سه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود
تلفن‌های مستقیم: ۳۳۹۴۱۹۹۱ - ۳۵۲۰۲۲۲۱

چراغ راه

خیر دنیا و آخرت در چهار خصلت

قال الامام‌الحسین(ع): «من رزقه الله صدق اللهجه و حسن الخلق و عفاف فرج و بطن، خصه‌الله تعالی بخیری الدنیا و الاخرة»

امام‌حسین(ع) فرمود: خداوند تعالی به هرکس زبان راست و راستگویی، و حسن خلق و نیکخویی، و عفت و پاکدامنی، و پاکی شکم و حلال‌خوری را روزی کند، خیر دنیا و آخرت را مخصوص او گردانیده و به وی عطا فرموده است.[1]

۱- فرهنگ جامع امام‌حسین(ع)، ص ۸۱۰

حکایت خوبان

پاداش کشته شدن در راه زیارت امام‌حسین(ع)

هشام‌بن سالم نقل می‌کند: مردی به حضور امام‌صادق(ع) شرفیاب شد و عرض کرد: پاداش کسی که در راه زیارت امام‌حسین(ع) توسط حاکم و سلطان ستمگر و دشمنان و مخالفین اهل‌بیت پیامبر(ص) کشته شود چیست؟

حضرت فرمود: با ریختن اولین قطره خونش، تمام گناهانش آمرزیده می‌شود، و فرشتگان آسمانی او را شست‌وشو می‌دهند، به طوری که پاک و پیراسته گشته و در ردیف پیامبران پاک قرار می‌گیرد، سپس حضرت جبرئیل و عزرائیل با فرشتگان بسیار، بر جنازه او نماز می‌خوانند، کفن و حنوطش را از بهشت می‌آورند، و قبرش وسعت می‌یابد و فضای قبرش به وسیله چراغ‌های فروزانی، منور و عطرآگین می‌شود، و دری از بهشت به سوی او گشوده می‌گردد و فرشتگان الهی هدایایی را از بهشت برایش می‌آورند.[1]

۱- بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۷۸

پرسش و پاسخ

پیاده‌روی اربعین

پرسش:

پیاده‌روی اربعین به سمت کربلا براساس چه مستنداتی انجام می‌گیرد و چرا عده‌ای با تکلف و رنج و زحمت گزینه پیاده‌روی را برای زیارت امام حسین(ع) در این روز انتخاب می‌کنند؟

پاسخ:

پیامبر گرامی اسلام(ص) می‌فرماید: «ان لقتل الحسین(ع) حرارة فی قلوب المومنین لا تبرد ابدا» همانا شهادت امام حسین(ع) در دل‌های مومنین و عاشقان و محبان او چنان آتش و سوزش و حرارت عشقی ایجاد می‌کند که هرگز سرد و خاموش نخواهد شد. (مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۱۸)

آری حرارت و عشق به امام حسین(ع) در طول تاریخ در میان دلباختگان و شیفتگان آن حضرت به اشکال گوناگونی جلوه‌گر شده است که یکی از تجلیات آن پیاده‌روی زائران امام حسین(ع) در روز اربعین می‌باشد. این سنت حسنه در سال‌های حضور ائمه معصومین(ع) با وجود حکومت‌های سفاک و خونریز اموی و عباسی انجام شده است. بنابراین از منظر روایات و سیره ائمه(ع) پیاده رفتن به زیارت امام حسین(ع) خودش موضوعیت دارد، چرا که امام صادق(ع) به یکی از دوستان خود می‌فرماید: قبر حسین(ع) را زیارت کن و ترک مکن. پرسیدم: ثواب کسی که آن حضرت را زیارت کند چیست؟ حضرت فرمود: کسی که با پای پیاده به زیارت امام حسین(ع) برود خداوند به هر قدمی که برمی‌دارد یک حسنه برایش نوشته و یک گناه از او محو می‌فرماید و یک درجه مرتبه‌اش را بالا می‌برد. (کامل الزیارات، ص۱۳۴) ایشان در جای دیگری می‌فرمایند: کسی که به قصد زیارت امام حسین(ع) از منزلش خارج شود اگر پیاده باشد، خداوند بابت هر قدمی که برای زیارت اباعبدالله برمی‌دارد، یک حسنه می‌نویسد و یک سیئه از او محو می‌کند. وقتی که به حرم می‌رسد، خداوند او را جزء صالحین برگزیده می‌نویسد. وقتی مناسک او تمام شد، خداوند نام او را جزء فائزین می‌نویسد. وقتی می‌خواهد بازگردد یک فرشتهٔ الهی در مقابل او قرار می‌گیرد و می‌گوید: رسول خدا(ص) به شما سلام می‌رساند، و پیغام می‌دهد (مژده می‌دهد): عملت را از سر بگیر که تمام گناهان گذشته‌ات بخشیده شده است. (همان، ص۱۳۲)

آمدن خاندان اهل بیت پیامبر در روز اربعین به کربلا، آمدن جابر بن عبدالله انصاری به همراه یکی از بزرگان تابعین به نام عطیه در روز اربعین سرآغاز حرکت پر برکتی بود که در طول قرن‌ها تا امروز، پیوسته و پی در پی این حرکت را پرشکوه‌تر، پرجاذبه‌تر و پرشورتر کرده و نام و یاد عاشورا را روز به روز در دنیا زنده‌تر کرده است.

اهمیت پیاده‌روی اربعین از منظر آیت‌الله بهجت

بهجت العرفا آیت‌الله محمدتقی بهج